

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۴

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۰

سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵

زمینه های برداشت سازنده و مخرب از نشانه های ظهور منجی

حامد پوررستمی^۱

روح الله شاکری زوردهی^۲

چکیده

یکی از پرگفتان ترین موضوعات جهان امروز، آینده پژوهی و اندیشه نجات بوده که نشانه ها و پیشگویی ها پیرامون منجی بخشی از آن است. در جهان اسلام اهمیت پردازش و اهتمام به ملاحم و نشانه های ظهور از دو حیث می تواند مورد بررسی قرار گیرد: حیث ابتدایی و حیث اقتضایی. هر چند از حیث ابتدایی، پرداختن به این دست از روایات، ممکن است از اولویت ها نباشد، اما از حیث اقتضایی که ناظر به اقتضای جنگ نرم روانی و معرفتی جهان امروز و شبهه پراکنی دشمنان مهدویت است، این موضوع را در زمره اولویت های پژوهشی و میدانی قرار می دهد. روایات ناظر به نشانه های ظهور و حوادث آخرالزمانی دارای ابعادی است و یکی از آنها بعد اثری نشانه ها و پیشگویی هاست که محصول برداشت از ظواهر روایی می باشد. این آثار نه صرفاً مثبت و ایجابی بوده و نه مخرب و منفی، بلکه ترکیبی متوازن و منطقی از آنها را در بردارد. به عنوان مثال (۱) آگاهی بخشی و پیشگیری نسبت به انحرافات فراروی، (۲) ایجاد آمادگی بایسته و (۳) ایمان افزایی اخبار غیبی را از جمله آثار سازنده و مثبت و (۱) سوء استفاده های سیاسی و اجتماعی، (۲) تحیر و سرگردانی در تشخیص و تصدیق جریان ها و (۳) تعیین وقت برای ظهور منجی را نیز از جمله آثار منفی در روایات ناظر به نشانه ها و پیشگویی های آخرالزمانی می توان برشمرد.

واژگان کلیدی

مهدویت، نشانه های ظهور، پیشگویی ها، ملاحم، آثار مثبت، آثار منفی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (purrostami@ut.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه تهران.

یکی از پربرگ‌ترین صفحات اندیشه در منشور ادیان و آیین‌های گوناگون، اندیشه نجات و ظهور منجی می‌باشد که با فراز و نشیب‌های تاریخی و کلامی مهم و جذابی همراه بوده است. اندیشه موعود در باور ادیان ابراهیمی و حتی غیر ابراهیمی علاوه بر نقش پررنگ، جریان‌ها و رویدادهایی را نیز همراه خود رقم زده و خواهد زد.^۱

در واقع با همه اختلاف‌هایی که در میان ملت‌ها و امت‌ها در طرز تفکر، آداب و رسوم، عشق‌ها و علاقه‌ها، خواست‌ها و مکتب‌ها وجود دارد، همه آنها به صلح و عدالت علاقه‌مند بوده و هستند. تقریباً همه کسانی که در این زمینه مطالعه دارند، متفق‌اند که تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر بزرگ به سر می‌برند که هر کدام او را به نامی می‌نامند. بنابراین، مسئله ایمان به ظهور یک نجات‌بخش بزرگ، یک اعتقاد عمومی و قدیمی در میان همه ادیان و اقوام و مذاهب شرق و غرب است.^۲

از سوی دیگر این باور جبهه‌ای از جریان‌ات حق و باطل را در مقابل هم قرار داده است که از منظر شهید مطهری، ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. یعنی هر یک از گروه سعدا و گروه اشقیاء به فعالیت خود ادامه داده و به نهایت کار خود خواهند رسید.^۳

در اندیشه نجات در اسلام که به مهدویت مشهور است، دو جبهه زمینه‌ساز حق و زمینه‌سوز باطل نیز به مبارزات خود ادامه می‌دهند. تامل در شیوه‌ها و شگرهای جبهه باطل و موعودستیز، نشان از آن دارد که یکی از محمل‌های ایجاد جنگ روانی دشمن علیه تفکر مهدوی، سوء استفاده از ملاحم و نشانه‌ها و پیشگویی‌های آخرالزمانی است که هدف عمده آنها تخریب چهره منجی و اندیشه نجات است.

به عنوان مثال از شگردهای آنان، حملات ناجوانمردانه و نفرت‌زایی است که با ژست‌های علمی و هنری برنامه‌ریزی می‌شوند مانند:

۱. نیروسازی برای صفوف خود با خطرناک جلوه‌دادن جریان مهدویت؛

۲. ایجاد شک و تردید و تنفر در افراد به ویژه معتقدان به مهدویت؛

۱. از جمله جایگاه موعود در مسیحیت، یهودیت، اسلام، زرتشت، هندو، بودا و ادیان دیگر. جهت تفصیل ر.ک: شاکری زواردهی، روح الله، منجی در ادیان.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، ص ۵۱

۳. ر.ک: مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (عج)، ص ۵۶ - ۵۸

۳. برنامه‌ریزی برای نسل‌های آینده در جهت؛

۴. ایجاد تنفر در آنان که این مساله شامل معتقدان به مهدویت هم می‌شود.^۱

بخشی مهمی از این ایجاد تنفر و جنگ روانی، با تمسک و دستاویز قرار دادن اخبار آخرالزمانی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال زراره می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ندای آسمانی حقیقت دارد؟ فرمود: بلی، به خدا قسم چنان است که هر قومی با زبان خودشان، آن را می‌شنوند. آن حضرت فرمود: این امر محقق نمی‌شود تا این که نه دهم مردم از میان بروند^۲ یا آنکه از امام صادق علیه السلام منقول است این امر محقق نمی‌شود مگر آنکه دو سوم مردم از بین بروند^۳. فارغ از صحت سندی و صدور این دست از روایت، آیا ظهور روایات در آن است که این قتل و کشتار توسط امام زمان ع صورت می‌گیرد؟! یا آنکه دشمنان امام زمان این جنایات را رقم خواهند زد؟ در واقع باورهای نادرستی که پیرامون خشونت آمیز بودن حرکت و رفتار امام زمان علیه السلام وجود دارد به دلیل عدم شناخت دقیق در اطلاعات مربوط به دوره ظهور شکل گرفته است. این دست از روایات می‌تواند بهانه‌ای برای دشمنان باشد. از این رو می‌بینیم که رسانه‌های غربی تلاش‌هایی را در زمینه ترسیم چهره‌ای مخدوش از امام زمان علیه السلام به شیوه‌های مختلفی به کار گرفته‌اند که محصولات تولید شده آنها اکنون مورد استفاده مسلمانان است.^۴

این هجم گسترده از فعالیت‌ها و اقدامات جبهه‌ها و جریان‌های حکایت از آن دارد که هر دو جبهه حق و باطل، یعنی زمینه‌سازان و زمینه‌ستیزان ظهور نسبت به اخبار منجی و نشانه‌های ظهور او حساسیت و اهمیت فوق‌العاده قائلند. از این روست که رصد و پژوهش این نوع از اخبار و پیشگویی‌ها بیش از پیش مورد توجه دوست و دشمن قرار گرفته و تحولات اخیر در منطقه و جهان نیز در تشدید این رویکرد بی‌تاثیر نبوده است.

۱. به عنوان مثال فیلم «پیش‌گویی‌های نوسترداموس» ساخت کمپانی صهیونیستی «گلدن مایر» در جهت تخریب چهره‌ی مقدس امام زمان علیه السلام را خشن و بسیار مخرب و وحشت‌زا معرفی و پیامد حضور ایشان را جنگ‌ها و جنایات‌ها و ناامنی‌ها قلمداد کرده است. رک: جعفری، محمدصابر. (۱۳۸۱). مهدی انکاری، انتظارستیزی، ص ۲۶۵، تهران، نشر انتظار موعود.

۲. نعمانی، ص ۲۷۴

۳. نیلی نجفی، منتخب الانوار، ص ۳۱۳

۴. به عنوان مثال برای مشاهده انتظار فعال صهیونیسم مسیحی در القای منجی کافی است در یکی از جستجوگرهای اینترنتی، کلماتی چون «پیشگویی‌های انجیل» «آخرالزمان» را جستجو کنیم؛ تا ببینیم چندین هزار مقاله در پایگاه پیش روی ما در فضای سایبری قرار خواهد گرفت. به طور مثال، سایت ارمگدون نیوز که هر روز ده‌ها مطلب به صورت خبر در مورد آخرالزمان عرضه می‌کند؛ که کاملاً اخبار غریبه است؛ و برای منجی‌سازی، اخبار کاذب آخرالزمان را در سایت منعکس می‌کند؛ شاه حسینی، مجید. (۱۳۸۴). تصویر منجی در رسانه‌های غربی، ص ۲، تهران، نشر موعود عصر

از این رو مساله فراروی این مقاله، آثار و فلسفه صدور و بروز این اخبار و روایات است. به بیان دیگر، فارغ از میزان اعتبار و صحت این اخبار و نشانه‌ها، چه آثار و تبعات سازنده و مخربی ممکن است از ظواهر روایات نشانه‌ها و پیشگویی‌های آخرالزمانی برداشت شود؟ کفه فرصتها و مصالح تمسک به این اخبار سنگین تر است و یا کفه آسیب‌ها و مضار احتمالی که به همراه خود داشته‌اند؟ این منقولات روایی که عمدتاً از پیچیدگی‌های علمی و حواشی‌های سیاسی - اجتماعی برخوردارند، چه جایگاهی در نظام دین و دکتترین مهدویت دارند؟ بر این پایه، این نوشتار سعی دارد در دو بخش سازنده و مخرب، به آثار روایات نشانه‌های ظهور پرداخته و ضمن رویکردی تحلیلی، نتایجی را تقدیم کند.

ابتدا دو نکته شایسته ذکر است یکی آنکه در جوامع روایی، نشانه‌ها و پیشگویی‌هایی از سوی معصومین پیرامون ظهور منجی آخرالزمان، نقل شده است که اگر نگوییم بطور قطع اما فی الجمله نسبت به صدور این دسته از روایات، ظن معتبر و طمانینه‌ای حاصل می‌شود. به عنوان مثال از امام صادق علیه السلام منقول است: «انّ قَدَامَ القَائِمِ علامات تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ همانا قبل از ظهور مهدی علیه السلام علائم و نشانه‌هایی است از جانب خداوند برای مؤمنین». ^۱ که فهرست بلندی از این علامات و نشانه‌ها را می‌توان در الغیبه نعمانی یا بحارالانوار جلد ۵۲ مشاهده نمود. ^۲

نکته مهم دیگر آنکه در این مقاله سخن از آثار سازنده و مخرب اصل سخن معصوم علیه السلام نیست که البته سخن معصوم سراسر نور و مایه خیر برای جامعه انسانی است بلکه سخن بر روی برداشت‌ها صحیح و ناصحیحی است که ممکن است از روایات و اقوال معصومین برداشت و استنباط شود. بر اساس این توضیح، برای روایاتی که دلالت‌ها و نشانه‌هایی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام دارند، زمینه‌های سازنده و مخرب ذیل را می‌توان برشمرد:

زمینه‌های برداشت سازنده

نگاه سفید یا سیاه پیرامون نشانه‌های ظهور منصفانه به نظر نمی‌رسد، بلکه در هریک از

۱. صدوق، کمال الدین، ص ۶۴۹

۲. البته به باور برخی از پژوهشگران، بسیاری از این علائم ارتباطی با موضوع ظهور حجت خدا ندارند. از این رو این گونه روایت‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته نخست: بر فرض صحت، پیش بینی حوادث آینده است که البته در مواردی کلمه مهدی را به آن افزوده‌اند.

دسته دوم: تعبیر قائم به کار رفته که الزاماً به معنی مهدی موعود نیست.

دسته سوم: در آن‌ها سخن از فرج است که آن هم الزاماً به معنای ظهور موعود نیست؛ صادقی، مصطفی، تاملی در روایات های علایم ظهور، مجله انتظار موعود، شماره ۱۰

حوزه‌های سندی، متنی، صدور اخبار نیاز است تامل و پژوهش‌های لازم صورت گیرد تا میزان عیار و اعتبار خبر در ابعاد فوق‌الذکر سنجیده شود. در حوزه آثار نشانه‌های ظهور هم نمی‌توان موضع کاملاً ایجابی و سفید گرفت و نه سلبی و سیاه، بلکه باید ترکیبی متوازن بر اساس تحلیل و تعقل پیش گرفت.

آگاهی بخشی و پیشگیری نسبت به انحرافات فراروی

یکی از آثار مطلوب نشانه‌های ظهور را می‌توان آگاهی بخشی مردم نسبت به پدیده‌ها و جریان‌ات منحرف و مضلی دانست که در دوران قبل از ظهور در جوامع بشری جولان می‌دهند. به بیان آنها آگاهی امت از روایات ضلال و دعوت‌های انحرافی در زمینه مسائل عقایدی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی که قبل از ظهور اتفاق می‌افتد، یکی از فلسفه‌های علائم ظهور قلمداد می‌شود.^۱ بدین معنا که امت دورنمایی از اوضاع انحرافی را دریابند و از جنبه‌های نظری و عملی خود را برای ظهور منجی مهیا کنند. در واقع شناخت از پیش صورت گرفته، نسبت به جریان‌های انحرافی و اوضاع آشفته آخرالزمانی بهتر می‌تواند شخص منتظر را برای قرار گرفتن در آستانه ظهور مهیا کرده و او را با شرایطی مبهم و غیرقابل پیش بینی، مواجهه نخواهد کرد. البته ممکن است این اشکال وارد شود که این اثر می‌تواند ایجابی باشد نه آنکه الزاماً ایجابی باشد. با این توضیح که تمامی سخنان معصومین از حیث فاعلی ایجابی هستند یعنی آنچه از معصوم صادر می‌شود، نور است و قطعاً آثار و فواید مطلوب برای فرد و جامعه خواهد داشت اما ممکن است در برخی از موارد از حیث قابل‌چنین نباشد. مثلاً به علت ضعف قابلی (ضعف در دریافت و فهم روایت) فرد برداشت قبح زدا از روایات گسترش فساد و فحشا داشته باشد. یعنی مخاطب اینگونه روایات را به معنای فراگیر شدن اجتناب ناپذیر گون انحرافات و فساد قلمداد کرده و چون آنها را اجتناب ناپذیر می‌داند، قبح فساد و معصیت برای او رنگ باخته و هم رنگ شدن با جماعت را امری طبیعی قلمداد کند. این خطر معرفتی، چه بسا امروزه در اذهان خیلی از افراد نفوذ و آنها را در گیر خود کرده و در نتیجه هزینه و جرم گناه آخرالزمانی را ناچیر قلمداد کنند! چرا که به باور آنان معصوم چنین وضعیتی ناگزیری را از قبل برای مردمان آخرالزمانی پیش بینی کرده بود!

می‌توان رگه‌ها و ریشه‌های تفکری که با اصل نهی از منکر در آخرالزمان رابطه خوبی نداشته و حتی رواج معاصی را برای ظهور امام امری موثر می‌دانند، در همین سوء برداشت‌ها از

۱. رضوانی، علی اصغر، علائم الظهور، ص ۸

روایت‌های آخرالزمانی جستجو نمود.^۱

در پاسخ به ادعای فوق می‌توان گفت، همانطور که در خود اشکال ذکر شده، مشکل فهم قابلی است نه صدور فاعلی. و از سوی دیگر مهمترین رسالت فرد آخرالزمانی فهم درست از دین و معرفت بایسته نسبت به آموزه‌های آن است. و گرنه حتی نسبت به قرآن کریم و روایات روشن معصومین نیز ممکن است این خطر و آسیب وجود داشته باشد. از سوی دیگر لزوم تقوای پیشگی و پرهیز از فساد و انحرافات در هیچ جا از منابع معتبر دینی تخصیص نخورده است.

حضرت امام با اشاره به خطر این نوع از برداشت‌ها از روایات، می‌فرماید: شما روحانیون در صورتی خلفای اسلام هستید که اسلام را به مردم بیاموزید و نگویید بگذار تا امام زمان علیه السلام بیاید. شما نماز را هیچ وقت می‌گذارید تا وقتی امام زمان علیه السلام آمد بخوانید؟ حفظ اسلام واجب‌تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت باید معاصی را رواج داد تا امام زمان علیه السلام بیاید. اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی‌کند، اینجا ننشینید فقط مباحثه کنید.^۲

همچنین علاوه بر آگاهی بخشی، برخی این نشانه‌ها را در پیشگیری از انحرافات نیز موثر می‌دانند. در واقع از آنجا که انسان غریزه و میل به شنیدن اخبار غیبی را دارد، با طرح اخبار غیبی واقعی و اسلامی جلو انحرافات فکری از ناحیه کاهنان و منجمان از این طریق گرفته خواهد شد!

به دیگر بیان یکی از اثرات ثمر بخش نشانه‌های ظهور چنین دانسته شده که جامعه به دلیل گرفتاری در شبهات و جوسازی جبهه باطل و پیچیدگی شرایط آخرالزمانی نتواند به هدایت برسد. از این رو یکی از آثار ثمر بخش نشانه‌ها، هدایت مردم و پیشگیری از انحرافات است. همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشانه‌هایی را برای جلوگیری جامعه از انحرافات فراروی و عدم جولان جبهه حق ارائه نمود. برای مثال، از عمار به عنوان نشانه جبهه حق یاد کرد و با جمله معروف «تَقْتُلُ عَمَّاراً الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ»^۳ به مسلمانان فهماند که هرگاه در فضای فتنه از شناخت حق و باطل ناتوان شدند، بدانند گروهی که عمار را می‌کشد، جبهه باطل است. یا در جایی دیگر از سگان حؤب یاد کرد و این که زنی که سگ‌های حؤب بر او پارس می‌کنند در

۱. جهت تفصیل رک: باقی، عمادالدین در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجتیه) نشر دانش اسلامی، ایران، بهمن ۱۳۶۲ ش.

۲. خمینی، روح الله، ولایت فقیه، ص ۶۹.

۳. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۶۸.

مسیر حق گام بر نمی‌دارد.^۱

البته شایان ذکر است نشانه‌هایی همچون موارد فوق الذکر، ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دارند که از جهاتی چند از نشانه‌های ظهور منجی متمایز هستند. از جمله آنها حضور شخصیت اصلی نشانه یعنی عمار در بین مردم بود یعنی از عمارتی به عنوان نشانه ذکر شده که مصداق متعین آنها نزد جامعه معلوم بود و این نشانه نه مشکل تعدد مصداق داشت و نه ابهام سندی و نه پیچیدگی‌های لفظی و اصطلاحی که این موارد سه گانه در روایت نشانه‌های ظهور فراوان دیده می‌شود. همچنین درباره نشانه سگ‌های حواب هم موضوع جاری است. یعنی شخصیت و مصداق و دلالت نشانه نزد عام و خاص روشن بود و همچون پیشگویی‌های ظهور، دچار اخبار ضد و نقیض و پیچیده و بعضاً متعارض نبودند.

هر چند برای انسان‌های غافل حتی نشانه‌های چون (شاخص عمار و سگ‌های حواب) هم جواب نمی‌دهد کما اینکه تاریخ برای برخی از افراد چنین گزارش داده است.

از این رو انسان باید مراقب باشد راهزنانی چون ابلیس و کارگزارانش او را بسوی قرائت‌های نادرست از دین سوق ندهند. هر چند ذکر این نکته هم شایسته است که شاید آگاهی بخشی مردم نسبت به پدیده‌ها و جریان‌ات منحرف و اوضاع آشفته تنها آثار ذکر این دست از روایات نباشد، بلکه علل و فلسفه‌های بیشتری نیز باشد که تنها نزد سینه معصوم و یا خواص نزدیک او جای دارد. البته قرار گرفتن در زمان و شرایط صدور حدیث نیز بسیار به فهم علل و آثار مدد خواهد رساند.

ایجاد آمادگی بایسته

پیشگویی‌های نشانه‌های ظهور و حوادث آخرالزمانی، نوعی هشدار و آماده باش برای منتظران ظهور قلمداد می‌شود که از جهاتی چند می‌تواند بر افزایش آمادگی‌های روحی، اجتماعی، سیاسی و جهادی برای حضور در انقلاب و حکومت حضرت حجت تأثیر داشته باشد. هر چند تغییر سرنوشت ممکن نیست و آنچه خداوند متعال اراده فرموده است، واقع خواهد شد، اما دانستن حوادث قبل از وقوعش به رغم تشویش و دغدغه خاطر، باعث ایجاد آمادگی مناسب و توانایی لازم در برخورد با آنها می‌گردد، و بهره برداری بیشتر از اوضاع و کاستن از میزان کشته‌ها و خسارات را در پی خواهد داشت. به عنوان مثال کسی که از قبل می‌داند قحطی در

۱. رسائل المرتضی، سید مرتضی، ج ۴، ص ۶۴. جهت تفصیل رک: جایگاه نشانه‌های ظهور در هندسه دین، آیتی، نصرت الله، پژوهش‌های مهدوی، سال اول، شماره اول - تابستان ۱۳۹۰، از ۹۵ تا ۱۰۲

پیش است، برای آن روز اندوخته‌ای فراهم می‌کند، و اگر از وقوع جنگی پیشاپیش مطلع گردد، سلاح و پناهگاه و آذوقه لازم را تدارک می‌بیند. و اگر دانستن پیشاپیش حوادث مفید نبود، انبیا و ائمه علیهم‌السلام وقایع آینده را برای بشر پیشگویی نمی‌کردند.^۱

از مضامین روایی نیز می‌توان چنین نکته‌ای را استنباط نمود. به عنوان مثال یکی از پیامها در روایت صحیح آسمانی همین اثر بیدار باش و آمادگی برای اهل زمانه است. امام باقر علیه‌السلام فرمود:

قیام قائم علیه‌السلام تحقق نمی‌یابد مگر اینکه ندا دهنده‌ای از آسمان ندایی دهد که اهل مشرق و مغرب آن را بشنوند.^۲

این صیحه می‌تواند همچنان که مایه آمادگی نهایی و شادمانی مؤمنان بوده، هشدار برای بدکاران نیز باشد تا از مواضع خصمانه خود دست کشیده و به جرگه یاوران مصلح جهانی بپیوندند.

درباره محتوای این ندای آسمانی روایات مختلفی رسیده است، از جمله امام صادق علیه‌السلام فرمود:

ندا دهنده‌ای از آسمان به نام قائم علیه‌السلام و نام پدرش آوازی دهد.^۳

بر این اساس چنین برمی‌آید که برای ظهور دو نوع آمادگی و وظیفه شناسی لازم است: (۱) آمادگی و برنامه‌ای که در آستانه ظهور با توجه به نشانه‌های همچون صیحه آسمانی لازم است، که بخش عمده این آمادگی باید از قبل رقم خورده باشد، در واقع این آمادگی، آمادگی برای حرکت لبیک وار بسوی منجی است نه آمادگی برای تمرینات و تهذیب بیشتر.

(۲) آمادگی و برنامه‌ای که باید در دوران غیبت و قبل از ظهور به دست آید. این آمادگی حسب نشانه‌های کلی از دوران غیبت و قبل از ظهور منجی (نه آستانه ظهور) است در طی مدت زمان فراخ تری منتظر برای خود رقم خواهد زد.

البته گفتنی است که آمادگی بخشی و آمادگی سازی منتظران، الزاما محصول نشانه و پیشگویی‌ها نیست، بلکه توصیه و امر معصوم به آمادگی دلیلی محکم تر از دیدن نشانه‌هاست.

بدین معنا که در روایات اسلامی سخن از آن است که در زمان غیبت، لازم است شخص

۱. رضوانی، علی اصغر، علائم الظهور، ص ۸

۲. الغیبه نعمانی، باب ۱۸، ح ۱۴، ص ۲۶۵.

۳. همان، باب ۱۰، ح ۲۹، ص ۱۸۷.

منتظر علاوه بر آمادگی‌های فکری و معرفتی، حتی مجهز به آمادگی فیزیکی و دفاعی نیز شود. به عنوان مثال در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که مومن این آمادگی را در خود ایجاد نماید ولو با ذخیره یک تیر.^۱ این دست از روایات حاوی این نکته است که ایجاد چنین سازوکارهایی حتی به اندازه یک تیر می‌تواند به نوعی در تعجیل امر فرج نقش آفرینی نماید. نکته مهم آنکه پیام این روایت تنها در حوزه آمادگی فردی نیست بلکه عرصه آمادگی فرافردی و سازمانی را نیز فرامی‌گیرد، به عنوان مثال می‌تواند ناظر به نقش عظیم نظام ولایی در زمینه سازی ظهور باشد. چرا که حکومت ولایی نه با یک تیر و هزار تیر بلکه در آن یک کشور با تمامی امکانات و قوای هوایی، زمینی و دریایی آماده و در خدمت مهدی موعود بوده و پایگاهی بس بلند را برای یاری او فراهم خواهند نمود. بدون تردید ایجاد این پایگاه انسانی و دفاعی، منتظران و زمینه سازان ظهور را در سراسر جهان، امیدوارتر و استوارتر و دشمنان و زمینه سوزان ظهور را مایوس تر و متزلزل تر خواهد نمود. همچنین حکومت ولایی قادر است با عینیت بخشیدن و اجرایی نمودن شاخصه‌های جامعه مدنی و انسانی که بر اساس الگوی اسلامی پایه ریزی می‌شود، اذهان جهانیان را با شگفتی و شیفتگی متوجه خود نماید که چنین حکومتی خود در انتظار حکومت ولایی دیگری است که از حیث کمی و کیفی بسی زیباتر و والاتر از آن خواهد بود. در واقع یک نظام منسجم و قدرتمند اسلامی قادر است با سازوکارهای ویژه خود نرخ رشد زمینه سازی ظهور را در حوزه‌های نرم افزاری و سخت افزاری، به سرعت افزایش داده و با رشد و گسترش معرفت، معنویت و بیداری در سطح منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و همچنین به چالش کشاندن استکبار جهانی و موعود ستیز، جهان را برای پذیرش موعود آخرالزمان مهیا نماید.^۲

ایمان افزایی اخبار غیبی

یکی از آثار مثبت نشانه‌های ظهور افزایش ایمان ذکر شده است. به طوریکه برخی چنین آورده‌اند که اخبار غیبی از آن جهت که خرق عادت است از اهمّ دلائل نبوت و امامت است، و لذا نشر آنها سبب زیاد شدن یقین در قلوب مسلمانان خواهد شد. البته این قوت قلب برای عموم جامعه زمانی است که تحقق خارجی آن خبر رخ داده باشد. مثلاً وقتی مسلمانان پیروزی

۱. عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: (ليعدن أحدكم لخروج القائم ولو سهما...)، نعماني، محمد بن ابراهيم، الغيبة، ص ۳۲۰

۲. ر.ک: پوررستمی، حامد، حکومت ولایی و زمینه سازی ظهور، فصل نامه علمی پژوهشی مشرق موعود سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۹

روم را به چشم خود دیدند^۱ ایمان شان به آیات قرآن بیشتر شد. درباره نشانه‌های آخرالزمان نیز همین مساله وجود دارد. اگر این اخبار برای عموم محقق نشود و یا اینکه در پرده‌ای از ابهام باقی بماند و امر بر آنها مشتبه شوند حتی ممکن است آثار تخریبی و سلبی بر ایمان و امید جامعه داشته باشد. شاهد این سخن نمونه‌های فراوان تاریخی است که برخی با سوء استفاده از روایات آخرالزمانی ادعاهایی را مطرح نمودند و حتی دست به اقدامات و تحرکاتی زدند و در پی آن جمعی از جامعه را دچار تحیر و گمراهی نمودند.^۲

این جا هم ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اگر چه نشانه‌ای خاص که بیانگر حادثه‌ای مشخص است ممکن است عامل ایمان افزایشی نباشد، اما نشانه‌های عام که در روایات معصومین اشاره شده، موجبات ایمان افزایشی را فراهم می‌کند بطوریکه امروزه ما شاهد حوادث و پدیده‌هایی هستیم که بیش از هزار سال پیش در روایات ملاحظه می‌گردد. مانند گسترش ترس و ناامنی و سردی عواطف انسانی،^۳ گسترش فساد اخلاقی، آرزوی کمی فرزند،^۴ مرگ‌های ناگهانی.^۵

همچنین گفتنی است که وجود اخبار غیبی پیرامون آخرالزمان، الزاما دلالت بر نشانه‌های ظهور منجی ندارد. تنها آن دسته از اخبار غیبی نشان از نشانه ظهور دارد، که به دلالت مطابقی یا التزامی از سوی معصومین بدان اشاره شده باشد.

به عنوان مثال امام علی علیه السلام در خطبه^{۱۳} نهج البلاغه از غرق شدن شهر بصره در آب خبر می‌دهد: «و آیم الله، لتغرقن بلدتکم حتی کأنی أنظر إلی مسجدها کجوجو سفینة أو»^۶ و یا آنکه در خطبه^{۱۲۸} می‌فرماید: «کأنی أراهم قوماً کأنّ وجوههم المجان المطرقة؛^۷ گویا آنان را می‌بینم که صورت‌هایشان چون سپرهای تو بر توست». که از منظر برخی این سخن ناظر به فتنه مغول است که در تاریخ رخ داده است.^۸ اما در برخی از اخبار آخرالزمانی به وجود ارتباط

۱. الم (۱) غَلَبَتِ الرُّومُ (۲) فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳)؛ الف لام میم (۱) رومیان شکست خوردند (۲)

در نزدیکترین سرزمین و [لی] بعد از شکستشان در ظرف چند سالی به زودی پیروز خواهند گردید (۳)؛ سوره روم، ۱-۳

۲. رضوانی، علی اصغر، علائم الظهور، ص ۹

۳. بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۳۸۰

۴. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۷

۵. الغیبه نعمانی ص ۲۷۱

۶. سوگند بخدا سرزمین تان را آب فرا گیرد، آن چنان که تنها بالاترین نقطه مسجد همانند سینه کشتی یا شتر مرغی که به رو در افتد نمایان باشد؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳

۷. گویا قومی را می‌نگرم که چهره‌هاشان همچون سپرهای چکش خورده است؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸

۸. هلاکو خان مغول چون این پیش‌گویی‌ها را از کلمات گهربار حضرت علی مرتضی علیه السلام شنیده بویژه بشارت پیروزی نسبت به پادشاهانی که به جنگ او بیایند و همه علاماتی که حضرت بیان فرموده بود در خود و لشکرش مطابق دید، فوراً نامه

میان وقوع اصل حادثه و موضوع نشانه بودن ظهور منجی تصریح شده است. مانند روایت امام صادق علیه السلام: قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَخْتُومَاتٍ الْيَمَانِي وَالْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ؛^۱ امام صادق علیه السلام فرمود: پیش از قیام قائم، پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، صیحه، قتل نفس زکیه و خسف به بیداء.

زمینه‌های برداشت مخرب

نیمه دیگر اخبار و پیشگویی‌های آخرالزمانی مبنی بر ظهور منجی، آثاری است که ممکن است حسب عوامل و شرایطی آثار و تبعات سلبی و منفی آنها کم نباشد. موضوعی که برخی از پژوهشگران را وادار کرده تا اساساً نگاه مثبتی به این دسته از اخبار نداشته و نشر آنها را خالی از فایده قلمداد کنند.^۲ برخی از این آثار عبارتند از:

سوء استفاده‌های سیاسی و اجتماعی

یکی از مهمترین آسیب‌ها و گردنه‌ها در عرصه پیشگویی‌های ظهور منجی، سوء برداشت‌ها و سوء اقدامات عامدانه یا جاهلانه‌ای است که کام تاریخ را تلخ کرده و گویا تاکنون نیز ادامه دارد. گروه‌ها و جریان‌ها گوناگونی بودند که بهره برداری‌های سلبی فراوانی از نشانه‌های ظهور کرده و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چالشها و تنشهای قابل ملاحظه‌ای برای جوامع رقم زدند.

به عنوان مثال ظلم و ستم حاکمان بنی امیه و پس از آنان، بنی عباس به عموم مسلمانان - به ویژه شیعیان - موجب شد که مردم، ظهور منجی‌ای که رسول خدا، امامان علیهم السلام و اصحاب ایشان وعده داده بودند را نزدیک بدانند. در این میان افرادی صالح یا ناصالح برای رفع این ستم‌ها به مقابله با دستگاه حاکم برخاسته و تا پای جان پیش رفتند که گاه خود آنان و گاه هواداران و دوستداران شان، آنان را منجی موعود تصور کرده و لقب مهدی به او دادند و برای اثبات مدعای خود علایمی را ساخته یا علایم حقیقی را تحریف و بر خود تطبیق نمودند.

ای نوشت که هر گاه بواسطه این پیشگویی حضرت علی علیه السلام بغداد را فتح کردم شهر حله و شهر کوفه و شهر نجف و شهر کربلا را با ساکنین آنها بلکی مورد عفو و همه آن جمعیت را از کشتن و اسیر شدن در امان خواهم گذاشت. سپس با اعتماد باین پیشگویی حضرت علی علیه السلام فرمان داد به بغداد حمله شود و مستعصم که خلیفه آخرین سلسله بنی‌العباس بود به بدترین وجه به قتل رسانید و پیروزی شگفتی نمود و صدق این پیشگویی حضرت را در جهان انتشار و بر شایسته‌گان حضرت افزود. ر.ک: پیشگویی تاریخی امام علی علیه السلام در حمله هلاکوخان مغول به بغداد، سایت تبیان زنجان، <http://www.tebyan-zn.ir>

۱. صدوق، کمال الدین ج ۲، ص ۶۵۰ و الخصال ص ۳۰۳ ح ۸۲

۲. عاملی، درآسه فی علامات الظهور، ص ۵۶ و ۵۷

کیسانیه، محمد بن حنفیه را مهدی دانستند، ناووسیه معتقد به مهدویت امام ششم شیعیان شدند، واقفیه بر امام کاظم علیه السلام و گروهی دیگر بر امام یازدهم متوقف شدند و آنان را مهدی و قائم تصور کردند.^۱ عبدالله محض و عبدالله منصور، فرزندان خود را محمد نام نهادند و با افزودن «اسم ایبه اسم ابی»^۲ به این حدیث رسول خدا که درباره قائم علیه السلام فرموده بود: «اسمه اسمی و کنیته کنیتی»^۳ و ملقب کردن فرزندانشان به مهدی، زمینه‌های ادعای دیگری درباره مهدویت را فراهم کردند. با توجه به این که این دو نفر: محمد بن عبدالله، نفس زکیه و محمد بن عبدالله، مهدی عباسی، در ابتدای دولت عباسیان ظهور و بروز داشته‌اند و نیز با توجه به نزاع بنی الحسن و بنی عباس و بحران مشروعیت عباسیان در ابتدای امر، بازار نقل و جعل حدیث رواج داشته است. مهم تر و مؤثرتر از همه این گروه‌ها اسماعیلیه و حکومت آنان؛ یعنی فاطمیان مصر است که گوی سبقت را از همگان ربود. مطالعه تاریخ اسلام و در کنار آن مروری بر روایت‌های نشانه‌های ظهور، به خوبی نشان می‌دهد که بسیاری از آن چه به نام نشانه ظهور مهدی مشهور شده، در طول تاریخ نیز مطابق یا مشابه آن رخ داده است. کسی که با این گزارش‌های تاریخی برخورد می‌کند، ممکن است چند راه را در پیش گیرد:

نخست: گزارش‌های مورخان را نادرست بداند.

دوم: بگوید که برخی از نشانه‌ها برای آن افراد یا گروه‌ها یا از سوی آنان جعل یا دست کم تحریف شده است تا به مردم و هواداران خود بقبولانند که آنان مهدی موعود یا دولت حقه آل محمد هستند.

سوم: بگوید که آن نشانه‌ها مربوط به مهدی واقعی است که مدعیان مهدویت از آن سوء استفاده و برخورد تطبیق کرده اند.

چهارم: آن روایت‌ها، پیش‌گویی قیام آن افراد دانسته شود و این در صورتی قابل پذیرش است که در آن خبرها، سخن از مهدی و ظهور او به چشم نخورد، در حالی که بسیاری از حدیث‌های مربوط به ملاحم و فتن چنین است.

انتخاب یکی از این فرضیه‌ها مستلزم بررسی دقیق و ژرف روایت‌ها و هم زمان، بررسی گزارش‌های تاریخی است. به نظر می‌رسد تا کنون بی‌توجهی شیعه به تاریخ اسلام، به ویژه تاریخ خلفا و بررسی نکردن زندگی مدعیان مهدویت، مانعی برای رسیدن به نتیجه در این

۱. درباره این فرقه‌ها نک: ابواب مختلف کتاب الغیبه شیخ طوسی و همچنین مکتب در فرآیند تکامل، صص ۷۵-۱۰۷

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۸۶

۳. همان، ج ۵۱، ص ۷۱-۷۳ (این احتمال هم هست که اصل حدیث «اسم ایبه اسم ابی» بوده و تحریف و تصحیف در آن صورت گرفته است).

موضوع بوده است.^۱

برخی دیگر از پژوهشگران این موضوع را چنین پیش کشیده‌اند که تصرفات در این دست از اخبار، گاهی با قصد سوء انجام گرفته که از آن به تحریف و وضع تعبیر می‌شود. وضع و تحریف در علامات اگرچه نسبت به روایات احکام از مقدار کمتری برخوردار است، ولی مع ذلک همان مقدار اندک، اثر سلبی عظیمی برای محقق در فهم روایات ایجاد کرده است. نمونه آن، روایات (پرچم‌های سیاه) است که به عنوان زمینه‌سازان ظهور معرفی شده‌اند. این روایات به رغم کثرت و تواتر برخی الفاظ آنها، دو کلمه در آنها وجود دارد که انسان را به شک انداخته که مبادا از جعل و وضع بنی عباس در تأیید قیامشان بر ضد حکام بنی العباس باشد. یکی آنکه در برخی روایات کلمه (تخرج من خراسان) از خراسان خروج می‌کند، آمده است. و میدانیم که ابومسلم خراسانی نقش بسزایی در تأسیس و تثبیت حکومت بنی عباس داشته است. و دیگر کلمه «فیها خلیفة الله المهدی» است که در روایات نبوی آمده است. و لذا منصور دوانیقی از این روایت به نفع حکومت فرزندش مهدی استفاده فراوانی کرد. ممکن است برخی احتمال جعل این روایات را در ذهن پیروانند، ولی با دقت و تأمل فراوان پی می‌بریم که بنی عباس از اخبار ظهور مهدی علیه السلام استفاده فراوانی در جهت پیروزی انقلاب خود نمودند.^۲

تحریر و سرگردانی در تشخیص و تصدیق جریان‌ها

غالباً در مباحث علمی سخن از سه عنصر (۱) موضوع، (۲) محمول و (۳) مصداق سخن به میان می‌آید. آنچه در میدان عمل به خوبی حس می‌شود سختی و پیچیدگی‌های کار در تشخیص مصداق یک موضوع و حکم است. این مهم بخصوص در روایات ناظر به نشانه‌های ظهور از دشواری فزون تری برخوردار است. چرا که همانطور پیش از این گذشت ادبیات و الفاظ خاص و همچنین فاصله زمانی قابل توجه از زمان صدور این روایات موجبات دشواری مضاعف کار در تشخیص مصداق روایات شده است. جالب آنکه این تشخیص در مصداق حتی تا آستانه ظهور هم وجود خواهد داشت.

به عنوان مثال ما می‌دانیم که موضوع صیحه آسمانی یکی از پنج نشانه‌های قطعی ظهور حضرت حجت ذکر شده است که در آستانه ظهور به وقوع خواهد پیوست. اما در روایت آمده است، پس از ندای آسمانی (که حادثه‌ای معجزه آسا و بسیار شگفت است)، شیطان با

۱. ر.ک: مصطفی صادقی، تاملی در روایت‌های علائم ظهور، مجله انتظار، ش ۸-۹ پاییز ۱۳۸۲، ص ۳۱۷-۳۳۴

۲. رضوانی، علی اصغر، علائم الظهور، ص ۱۷

مشابه‌سازی، صیحه‌ای خواهد زد و امر را بر بسیاری مشتبه خواهد کرد و جالب تر آنکه حسب روایات کسانی از این گونه تحیرات و فتن نجات خواهند یافت که تکیه شان بر اصول و معیارها باشد نه نشانه‌ها. تعبیر روایت چنین است که زراره می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: ندا دهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد که «فلانی امیر است» و ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد که «همانا علی و شیعیانش رستگارانند». پرسیدم: با این حال، چه کسی با مهدی علیه السلام می‌جنگد؟ فرمود: شیطان ندا سر می‌دهد: «همانا فلانی - مردی از بنی امیه - و شیعیانش رستگارانند». عرض کردم: چه کسی راست گو را از دروغ گو تشخیص می‌دهد؟ فرمود: کسانی که پیش از آن، احادیث ما را روایت می‌کردند و پیش از این که باشد می‌گفتند: خواهد بود و می‌دانستند، که همانا آنان بر حق و راست گویند»^۱.

پیام این روایت آن است که علاوه بر آنکه روایات ملاحم به خودی خود حاوی پیچیدگی‌ها و دشواری‌های متنی و لغوی است، دسیسه‌ها و تحریک اغواآمیز ابلیس نیز بر شدت تحیر و سرگردانی افراد و پیچیدگی اوضاع خواهد افزود.

البته همانطور که از روایت امام صادق علیه السلام برمی‌آید، این تحیر مطلق نیست بلکه اهل معرفت و محبت به ذوات مقدسه اهل بیت علیهم السلام از جرگه خارج اند. از این رو حسب سخن امام صادق علیه السلام تشخیص نشانه‌های ظهور و مصایق آنها با بازگشت به حقایق هم چون معیار گرفتن اهل بیت علیهم السلام و اعتقاد به حقانیت آنان که خود اصول و معیارهایی فراتر از نشانه‌های ظهورند، قابل تشخیص خواهند بود.^۲

نمونه دیگر از تحیر عمومی آنکه حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «ولترفعن اثنتا عشرة رایة مشتبهة لا يعرف ای من ای: به طور حتم دوازده پرچم برافراشته خواهد شد که همه مشتبه‌اند و هیچ کدام از یکدیگر تمییز داده نخواهند شد»^۳.

این روایت نیز ظهور در اوضاع مشتبه و پریشانی دارد که در دوران قبل از قیام حضرت حجت اتفاق می‌افتد. با اقامه هر پرچم و غلمی ذهن‌ها گزیده خواهند شد که آیا این پرچم همان

۱. «عن زرارۃ بن اعین قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: ینادی منادی من السماء: ان فلاناً هو الامیر، و ینادی منادی: ان علیاً و شیعتہ هم الفائزون. قلت: فمن یقاتل المهدی بعد هذا؟ فقال: ان الشیطان ینادی: ان فلاناً و شیعتہ هم الفائزون - لرجل من بنی امیة - قلت: فمن يعرف الصادق من الکاذب؟ قال: يعرفه الذین کانوا یروون حدیثنا، و یقولون: انه یكون قبل ان یكون، و یعلمون انهم هم المحقون الصادقون»؛ الغیبه للنعمانی، باب ۱۴، ص ۲۷۲.

۲. همچنین رک: آیتی، جایگاه نشانه‌های ظهور در هندسه دین، پژوهش‌های مهدوی: سال اول، شماره اول - تابستان ۱۳۹۰.

۳. النعمانی، الغیبه، ص ۱۵۱.

دوازده پرچم مورد اشاره در روایات معصومین است یا خیر؟ و یا اینکه اساساً شاخصه هر یک از این پرچم‌ها چیست؟

به نظر می‌رسد این دوازده علم نسبت به پرچم‌های دیگر متفاوت و متمایز هستند اما نسبت به خودشان خیر، چرا که از ظاهر «لایعرف ای من ای» بدست می‌آید تشخیص و تمییز این علم‌های دوازده گانه و در عین حال متشابه امری دشوار است.

البته روایت دیگری نیز وجود دارد که شاید بتوان آنرا در راستای روایت فوق ارزیابی نمود به طوریکه امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لایخرج القائم حتی یخرج قبله اثنا عشر من بنی هاشم کلهم یدعوا لی نفساً»؛ قائم خروج نخواهد کرد تا اینکه قبل از آن دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند و همه آنان مردم را به خود دعوت میکنند.

بر همین اساس است که برخی از پژوهشگران عرصه مهدوی بر این باور شدند که حتی اگر روایات علایم ظهور از نظر سند و دلالت قابل اعتماد بودند و از نظر شفافیت تطبیق بر مصداق خارجی نیز مشکلی نداشتند، باز هنوز احتمال وجود مصداق دیگر می‌رود. یعنی هنوز این احتمال وجود دارد که در آینده نیز مصداق دیگری محقق شود که روایات بر او نیز قابل تطبیق باشند و مقصود واقعی امام همین مورد دیگر بوده و نه مصداق اول؛ مگر این که مجموعه‌ای از نشانه‌های ظهور در کنار هم محقق شوند که در این صورت احتمال تکرار مصداق بسیار ضعیف خواهد بود. از این رو دست کم برخی از نشانه‌ها قابلیت تفسیر و تأویل نادرست، یا مشابه سازی دارند؛ چنان که معاویه کشته شدن عمار را این گونه توجیه کرد که چون علی علیه السلام او را به میدان آورد، پس قاتل عمار، علی علیه السلام است.^۲

تعیین وقت برای ظهور منجی

یکی از آسیب‌های جدی پیرامون مباحث مهدویت، تعیین وقت برای زمان ظهور است. به نظر می‌رسد خاستگاه اصلی این اقدام چالش‌زا، نشانه‌ها و پیشگویی‌هایی باشد که درباره ظهور منجی وجود داشته و زمینه‌های تعیین وقت را برای عده‌ای فراهم کرده است. در واقع روند مصداق‌یابی‌های غیردقیق برای مفاهیم و مضامین پیشگویی‌ها و نشانه‌ها، خود زمینه‌ساز تعیین وقت شده است. نمونه بارز این مسئله را امروزه شاهدیم که با روند تحولات منطقه در غرب آسیا بخصوص در سوریه و عراق و تطبیق این رویدادها بر روایات، زمان و یا محدوده

۱. الطوسی، الغیبة، ص ۲۶۷

۲. آیتی، جایگاه نشانه‌های ظهور در هندسه دین، پژوهش‌های مهدوی، سال اول، شماره اول-تابستان ۱۳۹۰

زمانی ظهور تعیین و یا تخمین زده می شود.

در حالیکه از روایات چنین بر می آید که تعیین وقت از خطوط قرمزی بوده که معصومین جدا از آن منع و نهی می کردند. در زبان روایات کسانی که به این مهم اعتنائی نداشته و بی دلیل وقت معین کنند، «وقاتون» گفته می شود. امام صادق در پاسخ ابا بصیر که پرسیده بود، قائم عجل الله فرجه کی خروج خواهد کرد، فرمود: «یا ابا محمد إنا أهل بیت لا نُوقْتُ - وَ قَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله كَذَّبُ وَقَاتُونُ: ای ابا محمد! ما خاندانی هستیم که وقتی را معین نمی کنیم زیرا رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرموده است وقت تعیین کنندگان دروغ می گویند»^۱.

در همین راستا فضل بن یسار می گوید: از امام باقر عجل الله فرجه سؤال نمودم: آیا برای امر ظهور وقتی است؟ حضرت فرمود: «کذب الوقاتون»: دروغ می گوید کسی که برای ظهور وقت معین می کند. حضرت این جمله را سه بار تکرار نمود.^۲

بر همین اساس می باشد که عالمان و دانشمندان اسلام نسبت به خطر تعیین زمان برای ظهور هشدار داده و دامن زدن به آن را از آسیب های جدی برای جامعه اسلامی و تفکر مهدویت قلمداد کرده اند. به عنوان مثال استاد شهید مطهری می فرماید: «او مصلح کل عالم است. درباره او هم ما هیچ حق نداریم به اینکه وقت معین کنیم حساب بکنیم چند سال دیگر، ده سال دیگر، از این حساب ابجدهایی که هر روز می کنند... حساب می کنند که مثلاً در فلان سال حضرت ظهور می کند. از این ها بترسید و تکذیب بکنید که کذب الوقاتون».^۳ در همین راستا علامه جوادی آملی نیز تاکید می فرماید که: «زمان ظهور آن حضرت از اسرار الهی است و گمانه زنی درباره آن نه تنها عملی بی اساس است بلکه امامان معصوم عجل الله فرجه از آن نهی فرموده اند».^۴ افزون بر این، چنین می توان تحلیل و تعلیل آورد که اگر تاریخ ظهور معلوم باشد دشمنان در صدد مقابله برآمده و تمهیدات لازم را برای مبارزه و قیام حضرت فراهم خواهند نمود. همچنان که با عدم توقیت، روحیه امید و حیات در جامعه زنده است به خلاف صورتی که وقت ظهور خصوصاً در صورت طولانی شدن، معین باشد. لذا در روایات می خوانیم که ظهور حضرت به صورت ناگهانی اتفاق خواهد افتاد، همانگونه که وقوع قیامت چنین خواهد بود.^۵

۱. مجلسی، بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۱۹. مشابه این روایت آنکه ابوبکر حضرمی میگوید: از امام صادق عجل الله فرجه شنیدم که «ما برای این امر وقت معین نمیکنیم»؛ «إنا لا نُوقْتُ هذا الامر»؛ الطوسی، الغيبة ص ۲۹۲، ج ۸
 ۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ الطوسی، الغيبة، ص ۴۲۶
 ۳. مطهری، مرتضی، مجموعه ی آثار، ج ۲۵، ص ۴۹۹-۵۰۰
 ۴. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۲۴
 ۵. «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّئُهَا لَوْقَتِهَا إِلَّا هُوَ... لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛ صدوق، کمال الدین باب ۳۵، ج ۶.

البته گفتنی است که معصومین علیهم السلام در این موارد به فاصله زمانی میان حدوث نشانه‌های حتمی و ظهور حضرت اشاره کرده اند. مثلاً از ابتدای شورش‌های سفیانی تا قیام حضرت بیش از ۹ ماه طول نخواهد کشید یا اینکه ۱۵ روز پس از شهادت نفس زکیه حضرت در مکه ظهور می‌کنند. ولیکن دیگر نشانه‌ها حداکثر به این اشاره می‌کنند که ظهور آن وجود مقدس نزدیک شده است و نه بیش از این. چنان‌که دیدیم برخی از نشانه‌های ظهور قرن‌هاست که اتفاق افتاده‌اند و گذشته‌اند و هنوز ظهور رخ نداده است.^۱

نتیجه‌گیری

حسب آنچه گذشت، نشانه‌ها و پیشگویی‌های موجود در جوامع روایی را می‌توان به مثابه تابلوهایی دانست که دورنمای حوادث و جریان‌های بازیگر در آخرالزمان را تصویر کشیده است. نه می‌توان از راهنمایی و راهبری این تابلوها به طور مطلق دست کشید و بی توجه بود و نه می‌توان اعتماد کامل بدانها نمود. چرا که مسیرها و نشانه‌های دریافتی از آنها هم از حیث اعتبار و سندی و هم از حیث معنایی و فقه الحدیثی جای پژوهش و بررسی دارد.

بر فرض صحت سند هم از منظر برخی از دانشمندان، فایده‌ای در نشر این گونه اخبار نیست؛ زیرا نمی‌توانیم به طور حتم خبر از وقوع آینده دهیم و هر آنچه در روایات به آن خبر داده شده ممکن است تحقق نیابد. لذا مجالی باقی نمی‌ماند تا برای حوادث غیبی جایی باز کرده و از آن سخن بگوییم. و نیز صحیح نیست که کوشش نموده و وقت خود را صرف آشنایی با حوادث آینده نماییم. و مسایلی از این قبیل هرگز دارای اثری مطلوب در تشویق مردم یا ترسانیدن آنها نخواهد داشت؛ زیرا مجالی برای استفاده از این نوع اخبار چه صحیح و چه ضعیف آن نخواهد بود مگر بعد از آنکه در خارج موجود شوند^۲. خلاصه‌مطلب این که با توجه به کثرت روایت‌های علایم، به نظر می‌رسد از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله اجمالاً پیش‌گویی‌هایی درباره حوادث آینده و ظهور مهدی علیه السلام بیان شده است، ولی این خبرها در طول چند صدسال، دچار تحریف و با انگیزه‌های گوناگون مطالبی بر آن‌ها افزوده شد. به گونه‌ای که پیش‌گویی درباره ملاحم و فتن و نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام و حتی نشانه‌های برپایی قیامت خلط شده است. موضوع‌هایی مانند: پرچم‌های سیاه، اختلاف بنی امیه یا بنی عباس و ظهور خراسانی - که با آن همه شهرت تنها چند روایت ضعیف درباره آن وجود دارد - نمونه‌هایی است که هیچ

۱. علائم ظهور، ماهنامه موعود، سال دوازدهم، شماره ۷۹، شهریور ۱۳۸۶

۲. عاملی، سیدجعفر مرتضی، درآسه فی علامات الظهور، ص ۵۶ و ۵۷

ارتباطی به ظهور ندارد. چنان که درباره نشانه‌های حتمی هم نمی‌توان با اعتماد کامل به همه احادیث آن نگریست. بنابراین لازم است موضوع نشانه‌های ظهور به جای آن که پیوسته به افراد و گروه‌ها و حادثه‌ها تطبیق شود، مورد نقد و بررسی دقیق قرار گیرد و ضمن پذیرش اجمالی آن از، رواج بی‌رویه آن‌ها به ویژه آن چه در منابع اهل سنت مانند الفتن ابن حماد وجود دارد پرهیز شود.^۱

البته به باور نویسنده اهمیت پردازش و اهتمام به ملاحم و نشانه‌های ظهور از دو حیث می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد: حیث ابتدایی و حیث اقتضایی.

حیث ابتدایی یعنی پرداختن به این گونه از اخبار و نشر و ترویج آنها در اولویت اول برنامه‌های علمی و تبلیغی محققان و پژوهشگران قرار گیرد. به دیگر بیان اهمیت این موضوع در کنار مباحث مهمی چون عقاید و کلام مهدوی، بررسی شرایط و زمینه‌های ظهور و... قرار گیرد. که باید گفت از حیث ابتدایی پردازش و نشر این اخبار چندان ضرورت ندارد و در عرض دیگر موضوعات قرار نمی‌گیرد اما از حیث اقتضایی این موضوع می‌تواند در اولویت کاری برنامه قرار گیرد بدین معنا که وضعیت امروز دنیا و جنگ نرم روانی و معرفتی اقتضا می‌کند که این مراکز علمی در این عرصه فعالانه برخورد نمایند نه منفعلانه، چرا که امروزه این دست از اخبار دستمایه دشمنان و محملی برای شبهه پراکنی آنها قرار گرفته و لازم است در برابر سیلی از شبهات و سوالات فراروی، پاسخ‌هایی محققانه و عالمانه عرضه نمود. از این رو پردازش علمی این نشانه‌ها در همه ابعاد آن یک اولویت معرفتی و کلامی محسوب می‌شود.

یکی از ابعاد فوق الذکر، حیث آثاری نشانه‌ها و پیشگویی‌هاست که همانطور که گذشت نه صرفاً ایجابی است و نه سلبی، بلکه ترکیبی متوازن و منطقی را می‌توان برای آنها برشمرد. به عنوان مثال آگاهی بخشی و پیشگیری نسبت به انحرافات فراروی، ایجاد آمادگی بایسته و ایمان افزایی اخبار غیبی از جمله آثار مطلوب و سازنده و سوء استفاده‌های سیاسی و اجتماعی، تحیر و سرگردانی در تشخیص و تصدیق جریان‌ها، تعیین وقت برای ظهور منجی نیز از جمله آثار مخرب و نامطلوب روایات ناظر به نشانه‌ها و پیشگویی‌های آخرالزمان به شمار می‌آیند.

البته گفتنی است همانطور که علت اصلی غیبت امام زمان علیه السلام از اسرار الهی می‌باشد که بعد از ظهور حضرت آشکار می‌شود،^۲ شاید بتوان درباره آثار حقیقی نشانه‌های ناظر به ظهور نیز

۱. صادقی، مصطفی، تاملی در روایت‌های علائم ظهور، مجله انتظار ش ۸-۹، پاییز ۱۳۸۲، ص ۳۱۷-۳۳۴
 ۲... قَالَ الْأَمْرُ لَا يُؤَدُّ لِي فِي كَشْفِهِ لَكُمْ فُلْتُ فَمَا وَجَهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ؟ قَالَ وَجَهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ - وَجَهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتٍ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجَهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ...؛ طبرسی، الاحتجاج ج ۲

چنین گفت و امید است منتظران راز برخی از پیشگویی‌های عجیب و پیچیدگی‌های آنها را در آینده‌ای نه چندان دور مطلع گردند.

منابع

- آیتی، نصرت الله، جایگاه نشانه‌های ظهور در هندسه دین، پژوهش‌های مهدوی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۰ ش.
- باقی، عمادالدین در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجتیه)، تهران، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- پوررستمی، حامد، حکومت ولایی و زمینه سازی ظهور، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۹ ش.
- جعفری، محمدصابر، مهدی انکاری، انتظارستیزی، تهران، نشر انتظار موعود، ۱۳۸۱ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- خمینی، روح الله، ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
- رضوانی، علی اصغر، علائم الظهور، ناشر: مرکز تحقیقات رایانه‌ای اصفهان، ۱۳۸۵ ش.
- سید رضی (موسوی)، محمد، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.
- سیدمرتضی، رسائل الشریف المرتضی، تحقیق: سیداحمد حسینی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۰ ق.
- شاکری زواردهی، روح الله، منجی در ادیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸ ش.
- شاه حسینی، مجید، تصویرمنجی در رسانه‌های غربی، تهران، نشر موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
- صادقی، مصطفی، تاملی در روایت‌های علایم ظهور، مجله انتظار موعود، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۲ ش.
- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۴ ق.
- صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمة، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.

ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱. چنانچه امام صادق صلوات الله علیه می‌فرمایند: تحقیقاً برای صاحب این امر غیبتی است که چاره‌ای از آن نیست هر اهل باطلی در آن به شک می‌افتد. راوی عرض می‌کند: فدایت شوم. چرا؟ حضرت می‌فرمایند: به خاطر مسئله‌ای که به ما اذن داده نشده آن را برای شما آشکار کنیم. راوی عرض می‌کند: پس چه حکمتی در غیبت آن حضرت می‌باشد؟ حضرت می‌فرمایند: حکمتی که در غیبت آن حضرت می‌باشد همان حکمتی است که در غیبت‌های حجت‌های خدای تعالی در گذشته بود. حکمت غیبت آن حضرت هم آشکار نمی‌گردد مگر بعد از ظهور ایشان.

- طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، مشهد، نشر المرتضى، ۱۴۰۳ق.
- طوسى، محمد بن حسن، الغيبة، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۱۱ق.
- عاملى، سيدجعفر مرتضى، دارسة فى علامات الظهور و الجزيرة الخضراء، چاپ اول، قم، منتدى جبل عامل، ۱۴۱۲ق.
- علائم ظهور، ماهنامه موعود، سال دوازدهم، شماره ۷۹، شهريور ۱۳۸۶ش.
- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تصحيح: على اكبر غفارى، بيروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مطهرى، مرتضى، قيام و انقلاب مهدي عليه السلام، تهران، نشر صدرا، ۱۳۷۳ش.
- مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، ج ۲۵، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۶ش.
- مكارم شيرازى، ناصر، حكومت جهانى حضرت مهدي عليه السلام، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ ۱۱، ۱۳۸۰ش.
- نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبة، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران، مكتبة الصدوق، بى تا.
- نيلى نجفى، على بن عبدالكريم بهالدين، منتخب الأخبار المضيئة، قم، مؤسسة الامام الهادى عليه السلام، ۱۴۲۰ق.
- سايت تبيان زنجان، <http://www.tebyan-zn.ir>